

تمدن سازی نوین اسلامی بدون تقریب مذاهب امکان ندارد



نشست الگوی حکمرانی تقریب مذاهب در تمدن سازی نوین اسلامی با حضور استاد عبدالحسین خسروپناه، دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی، در پژوهشکده باقرالعلوم (ع) برگزار شد که گزیده سخنان وی را در ادامه می خوانید؛

ما در این عنوان چند متغیر داریم یکی اصطلاح الگوی حکمرانی، یکی اصطلاح تقریب مذاهب و یک واژه هم تمدن سازی نوین اسلامی. منظور از حکمرانی حکومتداری نیست ولو در حکومتداری از حکمرانی استفاده می شود. مقصود از حکمرانی هدایتگری فرایندی است که از سیاستگذاری شروع می شود و به خدمات عمومی منتهی می شود لذا گام اول سیاستگذاری و ترسیم خط مشی هایی است که حرکت را جهت می دهد. در مرحله بعد نوبت به تنظیم گری می رسد و بعد نوبت به خدمات می رسد. پس وقتی سخن از حکمرانی به میان می آید یعنی فرایند هدایتگرایی یا هدایت فرایندی که از سیاستگذاری به خدمات عمومی تداوم دارد.

منظور از تمدن نوین اسلامی چیست؟

منظور از متغیر دوم که تقریب مذاهب است، تقریب شیعه و اهل سنت است. هم شیعیان مذاهبی دارند و هم اهل سنت. وقتی سخن از تقریب مذاهب هست مقصود تقریب همه شیعیان و همه اهل سنت است. معنای تمدن‌سازی نوین اسلامی هم از عنوانش پیداست. تمدن‌سازی امری فرایندی است و اینطور نیست امروز تصمیم بگیریم و فردا تمدن شکل پیدا کند بلکه حتما باید فرایندی طی شود کما اینکه مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم گفتند خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی. به این نکته توجه داشته باشید که تمدن نوین اسلامی مورد نظر است و ما نمی‌خواهیم تمدنی که در قرن سوم تا ششم هجری وجود داشت را احیا کنیم. البته همیشه باید پیوندی با میراث گذشته داشته باشیم اما امروزه دنیای مدرن دستاوردهای تمدنی در اختیار بشر گذاشته است. طبیعتا وقتی از تمدن سخن می‌گوییم یعنی باید از این بستر و زمینه تمدنی جدید بهره ببریم و استفاده کنیم البته با کاربری صحیح آنها. پس وقتی از تمدن سخن به میان می‌آید منظور احیای تمدن اسلامی با رویکرد نوین و استفاده از علوم جدید است.

برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی قطعاً تقریب مذاهب شرط لازم است ولی این تقریب مذاهب یک حکمرانی می‌خواهد. الگوی این حکمرانی تقریب مذاهب در تمدن‌سازی نوین اسلامی چیست؟ این الگو یکسری مبانی دارد، یکسری اصولی دارد که باید به آن مبانی و اصول و ارکان الگوی حکمرانی توجه شود. اگر می‌خواهیم به الگوی حکمرانی برسیم باید مبانی و اصول الگوی حکمرانی مورد بررسی قرار بگیرد.

سال‌هاست درباره تقریب مذاهب سخن گفته شده ولی از ظرفیت تقریب مذاهب در تمدن‌سازی نوین اسلامی استفاده نکردیم یعنی مجمع تقریب مذاهب، نباید تقریب مذاهب را در گفت‌وگو و همایش خلاصه کند، ما باید حکمرانی تقریب مذاهب را داشته باشیم. بنابراین ادعای بنده این است که تمدن‌سازی نوین اسلامی بدون تقریب مذاهب امکان ندارد و تقریب مذاهب هم الگوی حکمرانی می‌خواهد و این الگوی حکمرانی یکسری مبانی دارد.

چهار مبنای الگوی حکمرانی تقریب مذاهب

چهار مبنای مهم در الگوی حکمرانی مطرح است؛ اول توحید، دوم عقلانیت، سوم ولایت، چهارم آخرت‌گرایی. مهمترین مبانی الگوی حکمرانی تقریب مذاهب اینها است. اول توحید است. هر جا توحید آسیب پیدا کرد قطعاً حکمرانی تقریب مذاهب شکل پیدا نمی‌کند و تمدن نوین پدید نمی‌آید. اسلام و مسلمین باور به توحید دارند و از باور به توحید تا ساختن تمدن توحیدی باید مسیر طی شود. اگر شرک و منیت وسط آمد تفرقه هم به وجود می‌آید.

مبنای دوم عقلانیت است. عقل از مبانی مهم دینی است. جالب است عقل در شیعه و اهل سنت خصوصا مذهب حنفی و شافعی جایگاه مهمی دارد. هم خواجه نصیر برهان عقلی بر اثبات وجود خدا دارد و هم فخر رازی برهان عقلانی دارد. این نشان می‌دهد مذاهب اسلامی چقدر در بعد عقلانیت با هم مشترک هستند. وقتی از تقریب سخن گفته می‌شود منظور این است که هر دو عاقل باشند. این امر مورد تاکید مقام معظم رهبری است. وقتی عقل آمد شهوت و غضب کارایی خودش را از دست می‌دهد چون منشا تفرقه شرک است و منشا شرک هم شهوت و غضب است. ابزار شهوت و غضب هم تخیل است و در مقابل تخیل عقل است.

سومین مبنا ولایت الهی است. ما دو دسته ولایت داریم ولایت ایمان و ولایت کفر. درد جهان اسلام این است که پادشاهان کشورهای اسلامی ولایتمداری را با استکبار جهانی بستند، ولایتمداری را با صهیونیسم بستند در حالی که ولایتمداری مومنین با هم مورد تاکید قرآن است. وقتی ولایت را پذیرفتیم دستاورد ولایت، وحی الهی است.

مبنای چهارم آخرت‌گرایی است که نقطه مقابل سکولاریسم است. امیرالمومنین(ع) در نهج البلاغه مفصل به این نکته اشاره دارند. کسانی که در مقابل مسلمانان قرار می‌گیرند علتش این است دنیاگرا هستند و آخرتگرایی را کنار می‌گذارند. اینها مبانی الگوی حکمرانی تقریب مذاهب است که نقش مهمی در تقریب مذاهب دارد.

اصول تدوین الگوی حکمرانی تقریب مذاهب

غیر از این مبانی یکسری اصول هم داریم که به تدوین الگوی حکمرانی تقریب مذاهب کمک می‌کند. اصل اول که بسیار مهم است اصل خودسازی است. اگر انسان مخصوصا عالمان شیعه و اهل سنت خودسازی و اصلاح نفس نداشته باشند قطعاً تقریب مذاهب شکل نمی‌گیرد و منشا تفرقه خواهد شد.

اصل دوم مردم‌مداری و مشارکت مردمی است. منظور از مردم‌مداری احترام به مردم نیست بلکه مشارکت دادن مردم در حکمرانی است. اصل سوم اصل تقریب مذاهب در ساحت اعتقادی و فقهی است یعنی به مشترکات زیادی که در حوزه اعتقادات و حوزه فقه داریم تمسک شود. برخی فتاوی اهل سنت با فقه امامیه انطباق دارد و تقریب مذاهب در این حوزه خیلی کمک‌کننده است تا وقتی می‌خواهیم در الگوی حکمرانی مقررات‌گذاری کنیم از این احکام مشترک استفاده کنیم. اصل بعدی رحمت و محبت فراگیر است یعنی محبت را بر خصومت و دشمنی غلبه بدهیم و آن را تبدیل به خشونت و خصومت نکنیم. طبق فرموده رهبری برای جلب محبت باید محبت کرد.

اصل بعدی، اخوت و برادری است. روایات متعدد در زمینه برادری و اخوت داریم. امیرالمومنین(ع) در یکی از حکمت‌هایش منشور برادری را بیان می‌کند. اصل بعدی توجه به دردهای مشترک است. ما مسلمان‌ها دردهای مشترک داریم ولی می‌نشینیم درباره اختلافاتمان صحبت می‌کنیم. اصل دیگری که خیلی مهم است توجه به ظرفیت‌های تاریخی تمدن‌سازی است. در دوره قرن سوم تا ششم روحیه مداراگونه شیعه و سنی با هم موجب شد هر دو در تمدن‌سازی نقش داشته باشند. این ظرفیت‌های تاریخی ظرفیت بسیار خوبی است. اینها اصولی بود که در کنار مبانی حکمرانی تقریب مذاهب می‌شود به آنها توجه کرد. /

منبع: ایگنا